

**یکشنبه 26 آبان 1398 - 19 ربيع الاول 1441 - 17 نوامبر 2019**

آزادی سوسنگرد پس از يك سال محاصره (1359 ش)



آزادی سوسنگرد پس از يك سال محاصره (1359 ش)، آزادی سوسنگرد پس از يك سال محاصره (1359 ش) سوسنگرد در چنین روزي در سال 1359 هـ ش از اشغال نیروهاي رژيم بعثي به دست پرتوان رزمندگان اسلام آزاد شد. این پیروزي بزرگ نتیجه قطعي همکاري و هماهنگي نزدیک بين نیروهاي ارتشي و مردمی بود. سوسنگرد، نامی آشنا و حماسه ساز و حادثه‌ای شورانگیز از حماسه‌های بلند دفاع مقدس ماست. سوسنگرد مرکز دشت آزادگان در غرب اهواز و در 65 کیلومتری آن واقع شده است. رود کرخه از شمال شهر و شعبه‌های آن به نام نیسان از درون شهر از شمال به جنوب می‌گذرد. مردم سوسنگرد عموماً از شیعیان عرب زبان خوزستان و دارای سابقه‌ای درخشان در دفاع از کشور ایران بویژه در جنگ اول جهانی در مقابله با سربازان و نیروهای انگلیس و تحت زعامت علمای بزرگ وقت دارند. در نخستین روزهای حمله عراق به ایران اسلامی، نیروهای عراقی از مرز جزابه وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شدند و پس از اشغال بستان به سوی سوسنگرد روی آوردند. این افراد مقاومت‌های پراکنده مدافعین محلی و رزمندگان را درهم شکستند و با عبور از سوسنگرد بطرف حمیدیه روانه شدند. اما در حمیدیه تانک‌های عراقی در گل‌های ولای منطقه زمین‌گیر شدند. نیروهای عراقی مجدداً در اواخر آبان‌ماه سال 1359، به سوسنگرد از غرب و جنوب حمله و بالاخره شهر را محاصره کردند. پس از آن بود که مردم سوسنگرد به محاصره دشمن افتادند و این محاصره سه روز بطول انجامید. در روز سوم تعدادی از تانک‌های عراقی وارد سوسنگرد شدند و رزمندگان بشدت مقابل آنها با سلاح‌های سبک و امکاناتی اندک و ناکافی مقاومت می‌کردند. رزمندگان اسلام درحالی که نه مهماتی برای آنها مانده بود و نه حتی غذا داشتند و تعداد آنها از چند صد نفر هم تجاوز نمی‌کرد، ارتباط تلفنی آنها در روز سوم هم قطع شد. این مبارزه همچنان ادامه داشت تا اینکه حمله نیروهای خودی بسوی سوسنگرد آغاز گشت و سرانجام پس از مجاهدت‌های فراوان در چنین روزي سوسنگرد آزاد شد.

مردگ "هلاک‌خان" ایلخان خونخواه، مغول (663 ق)، در عهد مغول، شعبه‌ای از این خاندان در ایران دارای یک سلسله‌های پادشاهی شد که آن را سلسله‌های ایلخانان یعنی خان‌های محلی می‌گویند. مؤسس این سلسله، هلاک‌خان مغول، برادر منگوقاآن است. هلاکو در آغاز ورود به ایران، قصد براندازی فرقه‌های اسماعیلیه را کرد و پس از تصرف قلعه‌های این گروه، رکن‌الدین خورشاه، آخرین شاه اسماعیلی را در 655 ق گشت. سپس با هدف تسخیر بغداد پایتخت خلافت عباسی، راهی این شهر شد و پس از قتل عام بسیار و کشتار هزاران نفر از مردم و غارت پایتخت عباسیان، خلیفه‌های عباسی را به قتل رساند. با قتل المستعصم بالله، در ماه صفر 656 ق، دولت پانصد ساله‌های بنی‌عباس نیز منقرض گشت. از آن پس، شام را تصرف نمود و ولایات آن را غارت کرد. در نهایت، در حالی که هلاکو قصد داشت بر مصر بتازد و شکست سردار خود را در این کشور جبران کند، در آذربایجان به دیار نیستی رفت و در 48 سالگی پس از عمری جنایت و کشتارهای وحشتناک، مُرد.

حلت ایت الله میرزا حسن علیاری مجتهد عالی قدر و راوی بزرگ مسلمانان، در یکی از روستاهای توابع تبریز به دنیا آمد. در جوانی علوم معقول و منقول، ریاضیات و دیگر مقدمات دروس دینی را نزد پدرش فرا گرفت. آیت‌الله علیاری برای ادامه‌های تحصیلات دینی به حوزه‌های علمیه‌های نجف اشرف رفت و در محضر درس اساتید برجسته‌های آن حوزه هم‌چون آیات عظام میرزا ابوالقاسم حائری و فاضل شریانی شرکت کرد و بهره‌های فراوان علمی برد. ایشان که از بزرگان علم و ادب و از فقهای اسلام به شمار می‌رود دارای آثار متعددی است که از جمله‌های آن‌ها می‌توان به کتاب صراط‌التجاة و جامع‌السَّعَادَة در دو جلد، اشاره کرد.

مردگ "ایت‌الله" فیلسوف اجتماعی (1858 م) رابرت اوون، فیلسوف انگلیسی در 14 مه 1771 م در انگلستان به دنیا آمد. وی تا 9 سالگی به تحصیل پرداخت و از آن پس وارد بازار کار شد. اوون پس از چندی به دلیل لیاقت و کفایت خود، ترقی کرد به طوری که در 19 سالگی رئیس یک کارخانه ریسنده‌گری گردید. اما احساس کرد که جای‌گزینه ساختن ماشین به جای کارگر در کارخانه، مصایب بسیاری برای خانواده‌های کارگران ایجاد می‌کند. وی سعی کرد که با این اثرات شوم از راه تشکیل تعاونی مبارزه کند. با این حال، این اقدامات، توفیقی به بار نیاورد، اما تلاش‌های دیگر اوون برای اصلاحات اجتماعی، بیشتر ثمربخش واقع شد. اوون درصدد راهی برای آسایش کارگران بود تا این‌که اصول سوسیالیسم مبتنی بر تعدیل ثروت، جلوگیری از جمع شدن سرمایه در دست افراد معدود، تسلط دولت بر مؤسسات بزرگ اقتصادی و اولویت منافع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی را برای وصول به هدف خود برگزید. اوون برای این منظور، از ساعات کار کارگران کاست، کارخانه خود را به وسایل بهداشتی مجهز کرد و استخدام کودکان را ممنوع نمود. وی هم‌چنین با نوشتن مقالاتی،

از طبقه زحمت‌رکنش که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند حمایت کرد و از بی‌عدالتی‌هایی که در حق توده مردم و کارگران روا داشته می‌شود انتقاد نمود. در نتیجه تلاش‌های اوون، نخستین قانون مربوط به کارخانه و کارگر در سال 1819م در پارلمان انگلیس به تصویب رسید و این اولین قانونی بود که از سوء استفاده کارفرمایان از فقر کارگران جلوگیری می‌کرد. اقدامات اوون در بهبود وضع کارگران تاثیر بسزایی داشت، هرچند مخالفت گروه کثیری از صاحبان کارخانه‌ها را برانگیخت. تأسیس شرکت‌های تعاونی نیز از افکار اوون بود. نظر او مبنی بر پیدایش خطر اقتصادی، ناشی از توزیع غیرعادلانه ثروت بود و تصریح می‌نمود که همه دسته‌بندی‌ها و همه بدبختی‌هایی که نژاد بشر با آن دست به گریبان است، برخاسته از عدم تعادل ثروت می‌باشد. این اندیشه به صورت فلسفه مجادله طبقاتی میان کارگر و سرمایه‌دار توسط کارل مارکس، بنیان‌گذار مارکسیسم تکامل یافت و پایه نظام‌های مارکسیستی و سوسیالیستی دنیا گردید. رابرت اوون سرانجام در 17 نوامبر 1858م در 87 سالگی درگذشت.